

سازش طنین زندگی بود

یادی از فرامرز پایور، موسیقی‌دان و مدرس فقید سنتور که در ۱۸ آذر سال ۱۳۸۸ از دنیا رفت



آزاده چشمه سنگی نویسنده

صبا، در زمره نوازندگان خوش‌نامی بود که هفته‌ای یک بار مجال هنرنمایی در رادیو داشت. استاد صبا که از دنیارفت، ستاره پرنوری در آسمان زندگی فرامرز خاموش شد. حالا دیگر کسی نبود از خاطرات خوش روزگار جوانی‌اش بگوید و او را برای روزهای پرفراز و نشیب پیش رومهی‌اکند، اما به قدر کافی جنته‌اش را از ردیف‌ها و ظرایف سنتورنوازی پر کرده بود. آن قدر که می‌توانست خودش در مقام یک معلم سنتور، در هنرستان عالی موسیقی ملی مشغول به کار شود.

سفیر موسیقی اصیل ایرانی

فرامرز پایور خیلی زود خودش را به رجال موسیقی مملکت ثابت کرد. سال ۱۳۴۱ بود که به همت وزارت فرهنگ و هنر، راهی انگلستان شد. سفری به نیت ادامه تحصیلات کلاسیک که در ادامه او را به سفیر موسیقی ایران در انگلستان تبدیل کرد. هرچا نشست، از موسیقی ایرانی

فارغ از زمان و مکان

ابوالحسن صبا دست از ساز کشیده و شروع کرده بود به مرور خاطرات روزگار جوانی. فرامرز همین‌طور که با نوک انگشت، حاشیه سنتور را روی یک خط فرضی طی می‌کرد، با اشتیاق به صحبت‌های استاد دل داده بود. صحبت از تمرین و ممارست بود. داشت به فرامرز می‌گفت نه فقط سنتور که هر سازی، که هر حرفه‌ای، پشتکار می‌خواهد. نمی‌شود پا پس کشید، متوقف شد و انتظار پیشرفت داشت. از همین‌جا بود که دهان خاطره‌گویی‌اش گرم شد. یاد روزگاری افتاده بود که حبیب‌سماعی تازه‌از مشهد به تهران برگشته بود. پدرش از دنیارفته بود و حال خوشی نداشت. بعد تصمیم گرفته بود با او یک کلاس سنتور خصوصی افتتاح کند. دو دوست قدیمی که هر کدام وزن سنگینی در عالم هنر موسیقی بالاخص ساز سنتور بودند. حالا فرامرز جوان برابر استادی نشسته بود که داشت بی‌دریغ چکیده سال‌ها تجربه و خون دل را در اختیارش می‌گذاشت و توی چشم‌های پرانگیزه‌اش آینده‌روشنی می‌دید. فرامرز پایور در تمام روزهایی که پای درس استاد صبا می‌نشست، از زمین و زمان فارغ بود. انگار ساعت‌ها متوقف می‌شدند و تنها چیزی که در جهان حرکت می‌کرد، مضراب‌هایی بود که پی‌درپی روی سیم‌های پایین می‌آمد و او را پیش از پیش‌شیدای سنتور می‌کرد.

روزگار ملال‌آور خدمت

درخت گردو می‌دید و از خود بی‌خود می‌شد. با آن لباس‌های سنگین خدمت نظام. توی آن فضای زمخت بی‌روح، همین نشانه‌های کوچک، او را به عالم موسیقی وصل می‌کرد. از تنه درخت‌های گردو، رنگ سنتور به گوشش می‌آمد. شب‌ها، قبل خواب همین‌طور که چشم‌هایش را بسته بود، مج دستانش در هوا بالا و پایین می‌رفت در سکوت سنگین خوابگاه. او داشت نت‌های ابوالحسن صبا را مرور می‌کرد. روزها را می‌شمرد تا هفته به آخر برسد و برگردد پای درس استاد. گاه‌گاهی هم تعطیلات آخر هفته‌اش در رادیو می‌گذشت. حالا او هم در مقام یکی از بهترین شاگردان استاد

گفت. سنتور را مثل شناسنامه‌اش روی دست می‌گرفت و در هر محفلی، از زیر و بم این ساز ملی می‌گفت. شمایل سنتور توی کشورهای مختلف دنیا غریبه نبود. خیلی کشورها به عنوان یک ساز محلی می‌شناختندش، اما فرامرز پایور تأکید داشت سنتور در ایران یک ساز ملی است. ردیف‌های بسیاری را پوشش می‌دهد و می‌تواند ماه‌ها از آن بگوید و بآن بنوازد. چه بسیار کنفرانس‌هایی که میزبان او در دانشگاه لندن و کمبریج بودند تا موسیقی اصیل ایرانی را به مدعوین معرفی کند. وقتی از انگلیس برگشت، راهی وزارت آموزش و پرورش شد تا این بار فرزندان خاک وطنش را با این ساز آشنا کند.

تجربه‌هایی به یادگار

می‌گویند فرامرز پایور جوری می‌نواخت که در عین سرعت می‌شد تعداد ریزهایش را شمرد! آدم‌هایی که توی یک ساز، صاحب‌نام

می‌شوند، معمولاً سبک و سیاقی دارند که او را از دیگر هم‌نوعانشان متمایز می‌کند. فرامرز پایور از میان تمام آموزه‌های استاد صبا، بیش از هرچیز به تأکید او بر ممارست، پایبند بود. او می‌دانست بسیار نواختن، می‌تواند روزی از او چهره‌ای ماندگار بسازد. معجزه‌ای در تکرار و پشتکار بود که خیلی زود خود را در آثار تحسین‌برانگیز او نشان داد. روح هنر به مرور در جانش ریخته بود و از جایی به بعد، نه فقط مهارت در اجرای نت‌ها و تنظیم قطعات حیرت‌انگیز که بداهه‌نوازی‌هایش شهره عام و خاص شد. بداهه‌هایی که هرگز ملال‌آور نبود و مهارت ویژه‌اش در جابه‌جایی اکتاوا، مثال‌زدنی بود. وقتی می‌نشست پشت ساز، انگار آدم دیگری بود. فرم نشست، میمیک چهره، حرکت مضرب‌ها توی دست و در مجموع فرمی که وقت نواختن به خود می‌گرفت، شمایل خاصی خودش را داشت. او عاشقانه عمرش را صرف این ساز زخمه‌ای با آن ۷۲ سیم کرده بود و هرچه به پیش می‌رفت، علاوه بر تنظیم قطعات بسیار و تربیت هنرجوهای پرشمار، چه بسیار نت‌ها که از استادان پیشین خود ثبت کرده بود تا میراث گران‌بهای گذشتگان را به نسل‌های بعد از خود منتقل کند. کتاب‌هایش، اسناد مکتوب تجربیات بسیار او بودند و در این بین، «دستور سنتور»، در زمره

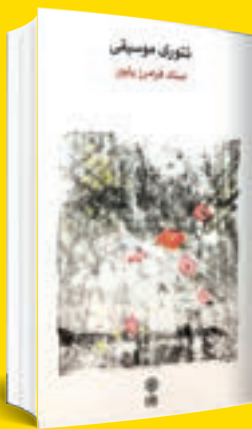
پرفروش‌ترین کتب آموزشی موسیقی ایران قرار می‌گیرد. آن ده سال پایانی عمر استاد، اگر به واسطه بیماری و سکت، او را محدود نمی‌کرد، همچنان می‌توانست با بهترین‌های آواز ایران همراهی کند. آن چنان که سال‌ها با عبدالوهاب شهیدی و محمدرضا شجریان و شهرام ناظری، همکاری کرده بود. با این همه، ۱۸ آذرماه سال ۱۳۸۸ بود که استاد پایور در ۷۶ سالگی دست از نواختن کشید و چشم‌های خود را برای همیشه بست تا از وطنش سازی به یادگار بماند که تمام زندگی‌اش بود.

آهنگ معروف «بی‌همکان به سر شود»، با آهنگسازی و نوازندگی فرامرز پایور و با صدای عبدالوهاب شهیدی با اسکن کد روبه‌رو بشنوید.



تئوری موسیقی

کتاب تئوری موسیقی مخاطب خود را با مطالب ضروری و لازم موسیقی نظری آشنا می‌کند و عموماً برای نوازندگانی مناسب است که بیش از فراگیری عملی ساز، علاقه‌مند به منشأ پیدایش ساز، علامات، مشخصات و اصطلاحات رایج موسیقی هستند و تمایل دارند اطلاعات عمومی خود را در حوزه موسیقی تقویت کنند.



دستور سنتور

دستور سنتور به قلم فرامرز پایور، در قالب یک راهنمای آموزشی مناسب هنرجویان مبتدی است که آن‌ها را به سمت حرفه‌ای شدن هدایت می‌کند. در این کتاب می‌توان با مقدمات نت آشنا و در ادامه با کمک ۳۷ قطعه موسیقی به تدریج از سطح ساده به دشوار، مشغول به تمرین شد. در هر بخش نکات اجرایی به همراه توضیحات مفصل ضمیمه شده و هنرجو می‌تواند رفته رفته با قطعات موسیقی سنتی ایرانی آشنا شود.



در نکوهش دروغ

دروغ گفتن به ضربت لازم‌ماند که اگر نیز جراحات درست شود، نشان بماند. چون برادران یوسف که به دروغی موسوم شدند نیز به راست گفتن

ایشان اعتماد نماند. قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمُ الْفُسْکُ أَمْرًا.

یکی را که عادت بود راستی..... خطایی رود در گذارند از او

و گر نامور شد به قول دروغ..... دگر راست باور ندارند از او

گلستان سعدی

روایت روز

استفاده ابزاری از اعداد



سید محسن موسوی زاده روزانه نگار

نتیجه‌ای جز بی‌تفاوتی شنودگان و خوانندگان نداشته است، بی‌تفاوتی‌ای که گاه با تبسم‌های کنایه‌آمیز همراه است. واقعیت این است که بخش قابل توجهی از رشد و رفاه بشر ناشی از کمی‌سازی داده‌های زندگی است. میزان غلات، انرژی، مدارس، دانشگاه‌ها، راه‌ها، جاده‌های مورد نیاز و صدها داده دیگر که به‌مثابه راداری، جایی که هستیم و جایی که باید برویم به ما نشان می‌دهند. را که باید برویم به ما نشان می‌دهند. اعدادی که رصد دوره‌ای آن‌ها بیان می‌کند آیا مسیر را به درستی پیموده‌ایم یا ممکن است به اشتباه از مسیر خارج شده و قدم به بیراهه گذاشته باشیم، اما برای برخی‌ها، اعداد قرار نیست چنین نقشی ایفا کنند. بلکه اعداد برای این ساخته شده‌اند که نشان دهند آنجایی که اکنون قرار داریم، بهترین است. اعداد نه به‌مثابه راهنما، بلکه در مقام شاهد به خدمت گرفته

اعلام آمارها و اعداد مختلف هستند که نه تنها اجازه تشکیک و پرسش به مخاطبان خود نمی‌دهند، بلکه معمولاً ترجیح می‌دهند با چند کنایه و البته برجسب‌زدن، منتقدانشان را در موضع دفاعی قرار دهند. برای همین، هر منتقدی برای درامان ماندن از گزند این برجسب‌ها، ترجیح می‌دهد سخنش را با چند جمله بدیهی شروع کند: «همه‌ما از رشد و شکوفایی اقتصاد کشور خوشحال می‌شویم، اما...» یا «من هم از شنیدن اعدادی که نشان‌دهنده رشد اقتصادی است، احساس غرور می‌کنم، اما...» وجود این‌ها و اگرهای وسواس‌گونه که به‌منظور تأکید بر حسن نیت گوینده کنار هم قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده یک نقص بزرگ در اعداد و ارقامی است که مدام بر اعلام آن‌ها تأکید می‌شود. اکنون، تکرار این اعداد و آمار در تریبون‌های رسمی و غیررسمی،

افزوده شدن بیش از ۹ هزار مگاوات به ظرفیت تولید برق کشور در سه سال اخیر، «افزایش ۸ میلیون لیتری تولید روزانه بنزین در ۷۶ روز»، «کاهش ۳۰ درصدی شاخص تورم مواد غذایی»، و «کاهش نرخ بیکاری در تابستان امسال به ۷٫۵ درصد»، این آمارها، حتی با فرض صحت و دقیق بودن شیوه استخراج، تا چه حد می‌توانند بازتاب‌دهنده واقعیت موجود در کشور باشند؟ با دیدن این آمار، اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد علاقه وافر مسئولان و رسانه‌های مختلف به ارائه آمار است. از بودجه‌هایی که برای احداث و بهره‌برداری از کلان‌پروژه‌ها تخصیص داده شده تا سطوح بسیار خردتر مانند هزینه راه‌سازی در جاده‌های روستایی و حتی ساعت‌هایی که یک مدیر از یک جلسه به جلسه دیگری می‌رود. همه این‌ها، با وجود تفاوت‌های بسیار، در یک نکته اشتراک دارند. همه چیز عالی است. این روزها برخی از مسئولان و کارشناسان آن چنان سرگرم

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی

● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد

● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر

● سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی

● نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵

● دفتر مرکزی: ۱-۵ ۸۸۸۸ ۳۷۲-۵۱

● نمایر: ۰۳۸۴۹۰۳۸۴-۵۱

● روابط عمومی: ۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲

● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

SHAHRRARANNEWS.IR

اشنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

دمای هوای مشهد

۷۴٪ رطوبت هوا

۳° ↑ ۵° ↓

ظہر ۱۲

صبح ۲

عصر ۴

شب ۸

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر: ۱۱:۲۳:۳۸ نیمه شب شرعی: ۳:۳۸:۲۲

غروب آفتاب: ۱۶:۱۶:۲۷ اذان صبح فردا: ۵:۰۱:۵۵

اذان مغرب: ۱۶:۳۶:۴۴ طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۳۱:۳۶

کارتون شهر



بدون شرح



مجتبی ادیبی

کتابخوان

دروغ‌گویی با آمار!

منطقه، مزیت مهم دیگر این منطقه این است که «ایمان‌نشین» به حساب می‌آید، زیرا که طبق آمار رسمی دولت، میانگین درآمد سرانه ساکنین این منطقه در سال ۱۰۰میلیون است. بعد هم اضافه می‌کند که در این منطقه کلی حاجی‌های بازار و دکترهای خارج‌رفته زندگی می‌کنند. ما هم مسحور این جملات می‌شویم و احتمالاً در آرزوی برخورداری از کیفیت بالای زندگی در کنار حاجی‌های بازاری و دکترهای خارج‌رفته که پول دارند، خانه را به قیمت بالایی بدون در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «فرض کنید که بعد از مدت‌ها جست‌وجو و تحقیق از محله‌های مختلف شهر تهران، برای خرید خانه در منطقه‌ای به ظاهر متشخص، به نگاه معاملات املاکی می‌رویم. بنگاه‌دار شروع می‌کند به بیان خوبی‌های آن منطقه و امکانات بی‌شمار آن و در نهایت اعلام می‌کند که علاوه بر تمامی مزایای این

کتاب» چگونه با آمار دروغ بگوییم» کتابی به زبان ساده، ترجمه و تألیف حسین راهداری است که شامل آمارها و تجارب آماری در حال شکل‌دهی به ذهنیت و تصمیمات ما هستند. البته این آمارها گاه به شکل درستی بیان نمی‌شوند و گاه حتی وقتی که به شکل درستی بیان می‌شوند، آن‌گونه که درست است، برداشت نمی‌شوند. «چگونه با آمار دروغ بگوییم!» برگرفته از اثری به همین نام نوشته دارل هاف است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «فرض کنید که بعد از مدت‌ها جست‌وجو و تحقیق از محله‌های مختلف شهر تهران، برای خرید خانه در منطقه‌ای به ظاهر متشخص، به بنگاه معاملات املاکی می‌رویم. بنگاه‌دار شروع می‌کند به بیان خوبی‌های آن منطقه و امکانات بی‌شمار آن و در نهایت اعلام می‌کند که علاوه بر تمامی مزایای این

